

بررسی چگونگی بازبینی مشخصه‌های فای و مطابقه فاعل و فعل در

زبان فارسی

فریده حق‌بین

دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه الزهراء^(س)

صغری فرخنده^۱

کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی دانشگاه الزهراء^(س)

(از ص ۱ تا ۲۱)

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۸/۲۸

چکیده

ارزش‌گذاری مشخصه‌های فای (شخص، شمار) و حالت یا به عبارت دیگر مطابقه در زبان فارسی و بازبینی این مشخصه‌ها با تکیه بر رویکرد کمینه‌گرا، یکی از موضوعات پیچیده است که به دلیل بی-نظمی‌هایی که در ساختار گروه فعلی به خصوص هسته فعل در زبان فارسی مشاهده می‌شود، گاهی فرآیند بازبینی را به طور کلی با مشکل مواجه می‌سازد. نگارندگان جستار حاضر تلاش کرده‌اند تا با در نظر گرفتن ساختارهای مختلف فعلی (ساده، مرکب) با در نظر داشتن جهت‌های مختلف (معلوم و مجهول) و نمودهای مختلف (ساده، استمراری، کامل) چگونگی ارزش‌گذاری مشخصه‌ها و بازبینی آنها را مورد بررسی قرار دهند. از دست‌آوردهای این پژوهش آن است که در زبان فارسی فعل‌ها تحت تأثیر مشخصه فعلی قوی هسته زمان خودایستا به هسته مذکور حرکت می‌کنند. مطابق نظریه بازبینی برنامه کمینه‌گرا مشخصه‌های فای خوانش‌ناپذیر هسته‌زمان در زبان فارسی به وسیله گروه اسمی فاعل ارزش-گذاری و بازبینی می‌شوند. مشخصه‌های مذکور پس از ارزش‌گذاری و بازبینی، در بخش آوایی بر روی فعل تظاهر می‌یابند. گروه اسمی فاعل نیز از هسته زمان خودایستا حالت فاعلی دریافت می‌کند. بازبینی حالت مفعولی نیز توسط هسته گذرا صورت می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: نظریه بازبینی مشخصه‌های فای، حالت فاعلی، مشخصه‌های خوانش‌پذیر، مشخصه‌های خوانش‌ناپذیر.

۱- مقدمه

جستار حاضر به بررسی چگونگی بازبینی^۱ مشخصه‌های فای^۲ (شخص و شمار) و حالت فاعلی در زبان فارسی بر پایه برنامه کمینه‌گرا اختصاص دارد. بازبینی در واقع برگردانی کمینه‌گرایانه مطابق با سازوکار برنامه‌های رایانه‌ای از مفهوم سنتی مطابقت است. فرآیند مطابقت فرآیندی از نظام محاسباتی می‌باشد که از یک طرف به دلایل ساختوازی ارزش مشخصه‌های ارزش‌گذاری نشده^۳ را تعیین می‌کند و از طرف دیگر بنا به دلایل مربوط به سطح صورت منطقی مشخصه‌های خوانش‌ناپذیر^۴ را حذف می‌کند. منظور از مشخصه خوانش‌پذیر مشخصه‌ای است که در خوانش معنایی جمله نقش دارد. منظور از مشخصه خوانش‌ناپذیر مشخصه‌ای است که در خوانش معنایی جمله نقش ندارد. برای مثال به نظر می‌رسد که مشخصه حالت ضمیری مثل *They* خوانش‌ناپذیر باشد، چون همان‌طور که در مثال‌های (۱-۳) نشان داده شده است فاعل بدون هیچ تأثیری در معنی با توجه به بندی که در آن قرار گرفته به ترتیب دارای صورت فاعلی، مفعولی و ملکی/اضافی می‌باشد.

- (1) It is said [they were arrested]
- (2) He expected [them to be arrested]
- (3) He was shocked at [their being arrested]

در عوض، مشخصه‌های فای مربوط به ضمائر، خوانش‌پذیر هستند. برای مثال، ضمیر اول شخص مفرد *I* به لحاظ معنی با ضمیر سوم شخص جمع *they* متفاوت است. در مورد افعال کمکی زمان‌دار نیز مشخصه‌های زمان، خوانش‌پذیر می‌باشند چون صورت حال ساده *is* به لحاظ معنی با صورت گذشته ساده *was* فرق دارد. مشخصه‌های شخص و شمار افعال کمکی به این لحاظ که صرفاً نشان‌دهنده مطابقت با گروه اسمی مخصوصی می‌باشند، خوانش‌ناپذیر هستند. از آنجائی که مشخصه‌های خوانش‌ناپذیر در خوانش معنایی جمله نقشی ندارند. باید شیوه‌ای ارائه شود که مشخصه‌های مذکور درون‌داد بخش معنایی واقع نشوند. به عقیده چامسکی مشخصه‌های خوانش‌ناپذیر در جریان اشتقاق نحوی حذف می‌شوند. (ردفورد ۲۰۰۴: ۲۸۹-۲۸۸).

¹.Checking

².φ-features

³.unvalued features

⁴.uninterpretable features

یکی از عناصر مطرح در فرآیند مطابقه هسته‌زمان است. هسته زمان که نزدیک‌ترین هسته دارای تسلط سازه‌ای به فاعل است، حالت آن را بازبینی می‌کند. ردفورد (۱۶۶-۱۵۸:۲۰۰۴) معتقد است که در زبان‌های دارای نشانه‌های صرفی مطابقه غنی فعل اصلی از گروه فعلی به هسته زمان حرکت می‌کند. به عقیده وی علت حرکت مذکور به واسطه قوی بودن وند زمان در هسته زمان خودایستا^۱ می‌باشد. پلاتزاک^۲ و هولمبرگ^۳ (۱۹۸۹)، رابرتس^۴ (۱۹۹۳)، روباخر^۵ (۱۹۹۹)، وینر^۶ (۱۹۹۷) و کوئن‌من^۷ (۲۰۰۰) معتقدند قدرت و ضعف نسبی وند زمان در یک زبان با غنی بودن نسبی نظام نشانه‌های مطابقه فاعلی آن ارتباط دارد. به عبارتی، وند زمان در زبان‌هایی که افعال کمکی و اصلی خودایستا در آنها دارای نشانه‌های مطابقه فاعلی غنی می‌باشند، قوی و در زبان‌هایی که افعال کمکی و اصلی خودایستا در آنها به لحاظ نشانه‌های مطابقه فاعلی فقیر می‌باشند، ضعیف است.

وجود نشانه‌های صرفی مطابقه قوی در زبان فارسی، این پرسش را مطرح می‌سازد که آیا پدیده حرکت فعل اصلی از درون گروه فعلی به هسته زمان در زبان فارسی نیز وجود دارد یا نه. فارسی یک زبان ضمیرانداز^۸ است و فعل در آن با توجه به مشخصه‌های شخص و شمار صرف می‌شود. به عبارت دیگر فارسی دارای نشانه‌های صرفی مطابقه غنی می‌باشد که حتی در غیاب فاعل آشکار یا حذف ضمیر فاعلی غیر موکد به شنونده یا خواننده کمک می‌کند تا فاعل جمله را بازیابی کند. به نظر می‌رسد در زبان فارسی نیز فرآیند حرکت فعل از هسته فعل به هسته زمان وجود داشته باشد. برای روشن شدن این موضوع که پرسش اصلی جستار حاضر را دربردارد فرآیند حرکت فعل به هسته زمان در جملات زبان فارسی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. برای نشان

^۱. finite tense

^۲. Platzack

^۳. Holmberg

^۴. Roberts

^۵. Rohrbacher

^۶. Vikner

^۷. Koenenman

^۸. pro-drop

دادن این موضوع ابتدا باید وضعیت گروه زمان در زبان فارسی از نظر هسته ابتدا^۱ یا هسته انتها^۲ بودن روشن شود.

۲- گروه زمان

مقولاتی مانند هسته زمان که اعطاءکننده نقش معنایی نیستند و یک فرافکن محسوب می‌شوند، در گروه مقولات نقش‌نما قرار می‌گیرند. هسته گروه زمان نشان‌دهنده زمان رویداد فعل می‌باشد و باعث برقراری رابطه مطابقه بین فعل و فاعل می‌شود. کریمی (۸:۲۰۰۵) جایگاه هسته زمان در جملات فارسی را در سمت راست فعل در نظر می‌گیرد. به عبارت دیگر از نظر او گروه زمان از جمله مقولات هسته‌ابتدا می‌باشد. یکی از دلایل کریمی در حمایت از فرضیه هسته‌ابتدا بودن گروه زمان بر اساس جایگاه بند متممی در زبان فارسی می‌باشد. به عقیده وی جایگاه اصلی بند متممی در زبان فارسی بعد از فعل می‌باشد. به عقیده انوشه (۱۳۸۷ : ۶۲-۶۵) در نظر گرفتن جایگاه بند متممی بعد از فعل توسط کریمی با اعتقاد وی به توالی SOV برای سازه‌های تشکیل‌دهنده جمله منافات دارد. به عبارت دیگر هسته‌انتها دانستن گروه فعلی در جملات دارای مفعول اسمی و هسته ابتدا دانستن آن در جملاتی که مفعول به صورت بند متممی تظاهر می‌یابد به معنی در نظر گرفتن دو جایگاه متفاوت برای هسته فعلی می‌باشد که به نوبه خود صورت مطلوبی نخواهد بود. علاوه بر آن در نظر گرفتن دو جایگاه زیرساختی متفاوت برای یک نقش معنایی واحد، نقش معنایی کنش‌پذیر، با فرضیه یکسانی اعطاء نقش‌های معنایی / یوتا^۳ سازگاری ندارد. در مقاله حاضر فرض شد که زبان فارسی دارای ترتیب زیرساختی SOV و گروه زمان هسته‌انتها است. آیا تظاهر بند متممی در ساخت‌های (۴ الف و ب) ناقض فرض بالا نیست؟

(۴) الف. درست است که علی رفته (است).

ب. این درست است که علی رفته است.

^۱.head initial

^۲.head final

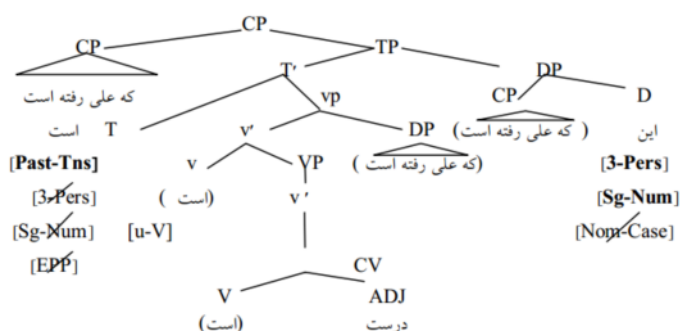
^۳.UniformTheta Assignment Hypothesis/UTAH

دبیر مقدم (۱۹۸۲: ۵۷) و سهیلی (۱۹۷۶: ۸۷) جایگاه بند متممی در زبان فارسی را پیش از فعل در نظر می‌گیرند. به نظر می‌رسد جمله (۴ الف و ب) در حالت بنیادی، قبل از اعمال هرگونه فرآیند حرکتی سازه‌ها، به صورت جمله (۴ پ) می‌باشد.

(۴ پ. این [که علی رفته است] درست است.

نحوه اشتقاق جمله (۴ الف) به صورت نمودار درختی (۴ ت) می‌باشد.

(۴ ت.



همان‌طور که در نمودار درختی (۴ ت) مشاهده می‌شود بر فراز فراقکن بیشینه زمان، فراقکن بیشینه متمم‌نما قرار دارد. با این فرض که هسته گروه متمم‌نما دارای مشخصه [متممی] قوی است، می‌توان گفت که گروه متممی که علی رفته است که در درون گروه حرف تعریف در شاخص گروه زمان قرار دارد، تحت تأثیر مشخصه متممی قوی هسته متمم‌نما به گروه مذکور حرکت می‌کند. در این مرحله جمله (۴ ب) تولید می‌شود. از آنجایی که حذف سازه/این در جمله (۴ ب) مشکلی در معنی جمله ایجاد نخواهد کرد، می‌توان آن را حذف کرد. عدم تظاهر آوایی/این به واسطه حذف مشخصه‌های آوایی آن است و مشخصه‌های شخص و شمار آن علی‌رغم حذف مشخصه‌های آوایی هنوز در اشتقاق حضور دارند و به علت وجود همین مشخصه‌ها است که گوینده یا شنونده بلافاصله می‌تواند سازه/این را بازبازی کند. در پژوهش حاضر داده‌های زبانی با تکیه بر فرض هسته‌انتهای بودن گروه زمان در زبان فارسی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۳- ارزش‌گذاری مشخصه‌های فای و حالت فاعلی

اجر (۲۳۶:۲۰۰۳) معتقد است که براساس نظریه گروه فعلی لایه‌ای، فرآیندهایی همچون حذف^۱ یا پیش‌گذاری گروه فعلی^۲، در واقع بر فرافکن بیشینه گروه فعلی پوسته‌ای^۳ اعمال می‌شوند. به همین دلیل است که در زبان انگلیسی که فعل اصلی در آن به هسته زمان حرکت نمی‌کند، حذف گروه فعلی منجر به حذف فعل اصلی می‌شود. در چنین زبان‌هایی با حذف گروه فعلی، در صورت نبود فعل کمکی یا وجهی، به منظور پدید آمدن ساختی دستوری ناگزیر فعل کمکی do درج می‌شود. از طرف دیگر در زبان‌هایی مانند زبان فرانسه و گیلی اسکاتلندی^۴ که فعل در آنها به هسته زمان حرکت می‌کند، در صورت حذف گروه فعلی، فعل اصلی به تنهایی تظاهر می‌یابد. تظاهر فعل اصلی در جمله (۵) علی‌رغم حذف گروه فعلی حاکی از خروج فعل اصلی از هسته فعلی به هسته زمان می‌باشد.

(۵) کی به مریم گفتی؟ دیروز [vp] گفتم.

پرسش تاییدی شاهد دیگری برای حرکت گروه فعلی به هسته زمان می‌باشد. در جمله (۶) حذف گروه فعلی منجر به حذف فعل اصلی و درج فعل کمکی نمی‌شود و این مسئله حاکی از ارتقاء فعل به هسته زمان می‌باشد.

(۶) خودم دیدم که تو همه چیز را به مریم گفتی، نگفتی؟

به لحاظ نظری این پرسش مطرح می‌شود که چرا فعل از هسته گروه فعلی به هسته گروه زمان حرکت می‌کند. به عقیده ردفورد (۲۰۰۴: ۱۶۰) می‌توان فرض کرد در زبان‌هایی که فعل در آنها از هسته گروه فعلی به هسته گروه زمان حرکت می‌کند، هسته زمان خودایستا دارای یک وند زمان با مشخصه فعلی قوی می‌باشد. به عبارت دیگر هرگاه در جمله‌ای جایگاه هسته زمان به وسیله فعل کمکی پر نشده باشد، فعل برای پر کردن جایگاه قوی هسته زمان به آنجا حرکت می‌کند. به هر حال همیشه باید یک فعل کمکی و یا غیر کمکی در جایگاه هسته زمان خودایستا وجود داشته باشد. به عقیده ردفورد (۲۰۰۴: ۱۱۶-۱۱۷) اگر هسته‌زمان جایگاه قرار گرفتن مشخصه‌های زمان

^۱.vp-ellipsis

^۲.vp-fronting

^۳.little vp

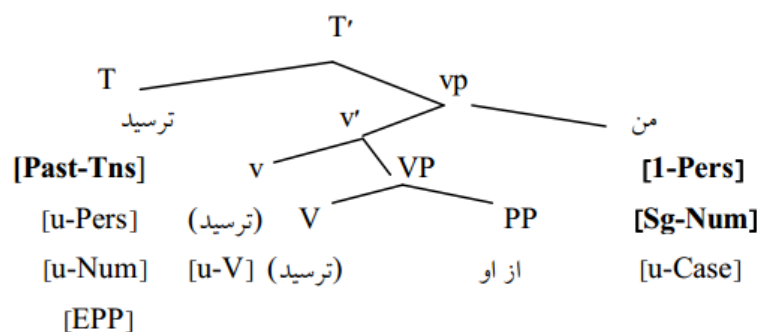
^۴.Scottish Gaelic

بند خودایستا در نظر گرفته شود، می‌توان گفت که جایگاه پیدایش وند زمان در هسته زمان است. از آنجایی که افعال زمان‌دار از نظر شخص و شمار با فاعل خود مطابقت می‌کنند، می‌توان فرض کرد که وند زمان دارای مشخصه‌های شخص و شمار نیز هست. با توجه به آنچه گفته شد، نحوه ارزش‌گذاری مشخصه‌های فای و حالت فاعلی را در جمله (۷ الف) مورد بررسی قرار می‌دهیم.

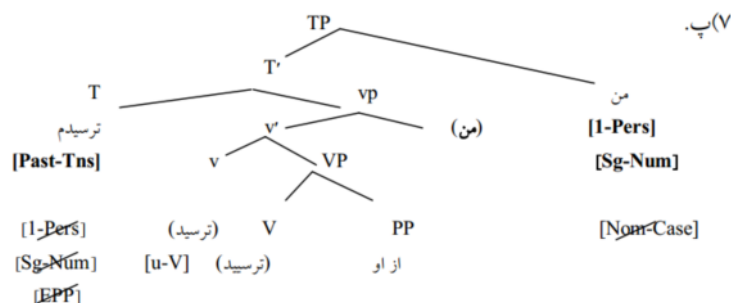
(۷) الف. من از او ترسیدم.

نحوه اشتقاق جمله (۷ الف) را می‌توان به صورت نمودارهای درختی (۷ ب و پ) نشان داد. مشخصه‌های خوانش‌پذیر به صورت توپر^۱ نشان داده شده‌اند. همان‌طور که در نمودار (۷ ب) مشاهده می‌شود، مشخصه‌های فای فاعل و مشخصه زمان هسته زمان، خوانش‌پذیر و مشخصه‌های فای هسته زمان و مشخصه حالت فاعل خوانش‌ناپذیر هستند. در نمودار (۷ ب) مشخصه‌های شخص و شمار هسته زمان به علت خوانش‌ناپذیر بودن از پیش (در واژگان) ارزش‌گذاری نشده‌اند، بنابراین هسته زمان (کاونده) به منظور حذف مشخصه‌های خوانش‌ناپذیر خود، در قلمرو تحت تسلط سازه‌ای‌اش به دنبال سازه هدف می‌گردد تا با برقراری رابطه مطابقت، مشخصه‌های شخص و شمار خوانش‌ناپذیر خود را ارزش‌گذاری کند. ضمیر من در شاخص گروه فعلی پوسته‌ای با داشتن مشخصه‌های شخص و شمار از پیش ارزش‌گذاری شده و مشخصه حالت ارزش‌گذاری نشده نقش هدف را ایفاء می‌کند.

(۷) ب



^۱.bold



همان‌طور که در نمودار (۷) نشان داده شده است، رابطه مطابقه بین کاونده ترسید و هدف من برقرار می‌شود. یک انعکاس از رابطه مذکور این است که مشخصه‌های شخص و شمار ارزش‌گذاری نشده کاونده ترسید به وسیله هدف من ارزش‌گذاری می‌شود. ارزش‌گذاری مستلزم رونوشت مشخصه^۱ است که می‌توان آن را به صورت قاعده (۸) بیان کرد (ردفور، ۲۰۰۴: ۲۸۶).

(۸) رونوشت مشخصه

اگر α در ازای مشخصه [F] ارزش‌گذاری شده باشد و β در ازای همان مشخصه [F] ارزش‌گذاری نشده باشد، اگر β با α مطابقت داشته باشد، ارزش مشخصه [F] سازه α بر روی β رونوشت زده می‌شود.

در نتیجه این فرآیند ارزش مشخصه‌های شخص و شمار من بر روی ترسید رونوشت زده می‌شود. بعد از اعمال فرآیند رونوشت مشخصه نمودار (۷) به صورت نمودار (۷) پ) ظاهر می‌یابد. انعکاس دوم رابطه مطابقه بین ترسید و من این است که مشخصه ارزش‌گذاری نشده حالت من به وسیله ترسید ارزش‌گذاری می‌شود. از آنجایی که فقط افعال کمکی زماندار دارای نهاد فاعلی هستند می‌توان فرض کرد که این مشخصه زمان کاونده است که وظیفه اعطای حالت فاعلی^۲ به هدف را دارد. بنابراین می‌توان قاعده (۹) را در مورد اعطای حالت فاعلی بیان کرد (همان منبع: ۲۸۶).

^۱ Feature-Copying

^۲ Nominative Case Assignment

(۹) اعطای حالت فاعلی

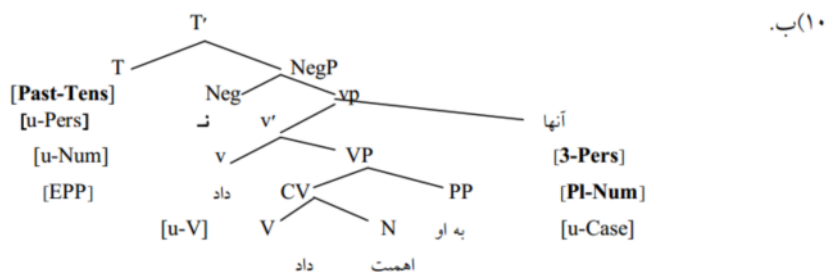
هدفی که به لحاظ مشخصه حالت ارزش‌گذاری نشده است به وسیله کاونده‌ای که زمان مشخصی دارد با مشخصه فاعلی ارزش‌گذاری می‌شود. اگر کاونده و هدف به لحاظ مشخصه‌های فای (φ) با یکدیگر هماهنگ باشند.

از آنجایی که در نمودار (۷ پ) مشخصه‌های شخص و شمار ترسید با مشخصه‌های شخص و شمار من هماهنگ است و ترسید دارای زمان مشخصی (گذشته) است. مشخصه حالت ارزش‌گذاری نشده من به صورت فاعلی ارزش‌گذاری می‌شود. چون تمام مشخصه‌های همراه ترسید ارزش‌گذاری شده‌اند، ترسید بالاخره می‌تواند در نظام آوایی به صورت فعل گذشته ساده اول شخص مفرد بازنمود یابد. ضمیر من نیز به منظور اقناع مشخصه [اصل فراقن گسترده]^۱ قوی هسته زمان به شاخص آن حرکت می‌کند.

در ادامه نحوه ارزش‌گذاری مشخصه‌های فای و حالت فاعلی را در جمله مرکب مورد بررسی قرار می‌دهیم.

نحوه اشتقاق جمله (۱۰ الف) به صورت نمودار (۱۰ ب) می‌باشد.

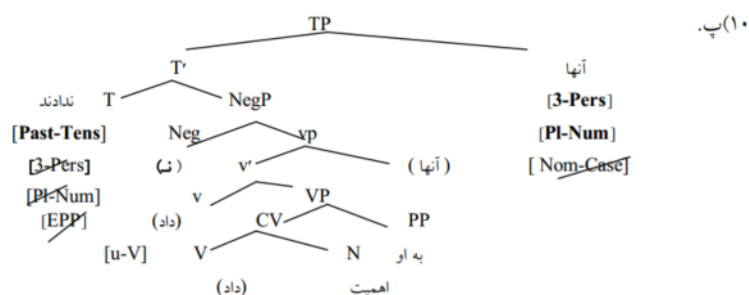
(۱۰) الف. آنها به او اهمیت ندادند.



در افعال مرکب تنها جزء فعلی به هسته زمان ارتقاء می‌یابد. به نظر می‌رسد هسته نفی در زبان فارسی به علت ویژگی وندی خود نیاز به پایه‌ای با مشخصه مقوله‌ای [N, -, + V] دارد. از آنجایی که هسته نفی در زبان فارسی تنها پیش از فعل تظاهر می‌یابد، پذیرش چنین فرضی دور از ذهن به نظر نمی‌رسد. حرکت فعل داد با مشخصه [N, -, + V] نیاز هسته نفی را به پایه فعلی اقناع می‌کند. در مرحله بعد هسته نفی + فعل داد به هسته زمان حرکت می‌کنند. پس از حرکت هسته نفی و بخش فعلی داد به هسته زمان،

^۱ Extended Projection Principle/EPP

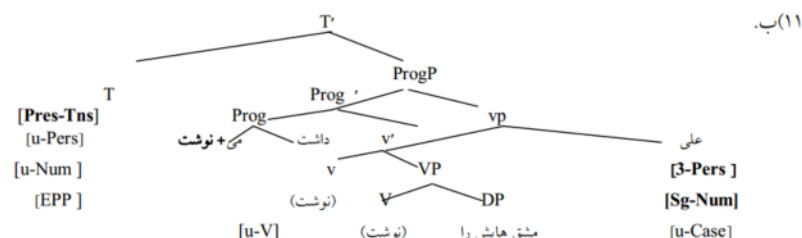
مشخصه زمان (کاونده) به منظور ارزش‌گذاری مشخصه‌های خوانش‌ناپذیر فای خود (شخص و شمار) با ضمیر *آنها* در شاخص گروه فعلی بیرونی وارد رابطه مطابقه می‌شود. لازم به ذکر است که ضمیر *آنها* به علت داشتن مشخصه‌های فی از پیش ارزش‌گذاری شده و مشخصه حالت ارزش‌گذاری نشده می‌تواند نقش هدف را ایفاء کند. همان‌طور که در نمودار (۱۰) نشان داده شده است، در جریان برقراری رابطه مطابقه بین هسته زمان، مشخصه‌های شخص و شمار هسته زمان به صورت [سوم شخص جمع] ارزش‌گذاری می‌شوند.



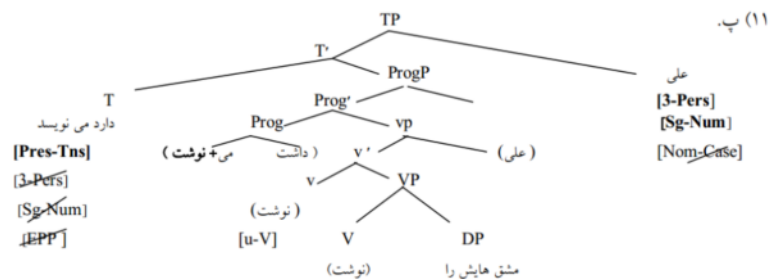
مشخصه حالت ضمیر *آنها* نیز توسط هسته زمان ارزش [فاعلی] پیدا می‌کند. بعد از این مرحله، ضمیر *آنها* به منظور اقناع مشخصه [اصل فراقکن گسترده] هسته زمان به شاخص آن حرکت می‌کند. مشخصه‌های خوانش‌ناپذیر پس از ارزش‌گذاری در سطح صورت منطقی حذف می‌شوند. مشخصه زمان [گذشته] و مشخصه‌های [سوم شخص جمع] هسته زمان و حضور هسته نفی در هسته زمان باعث می‌شوند تا جزء فعلی *دادن* در صورت آوایی به صورت *ندادن* تظاهر یابد. در زیربخش بعدی به نحوه بازبینی مشخصه‌های فای و حالت فاعلی در ساخت‌های دارای گروه نمود پرداخته می‌شود.

۳-۱ گروه نمود استمراری

نمود استمراری یا ناقص نشان‌دهنده تکرار یا تداوم یک رخداد می‌باشد. نمود استمراری در زبان فارسی با حضور پیشوند می به تنهایی و یا همراه زمان حال و گذشته فعل *دارا* داشت تظاهر می‌یابد. در این قسمت به منظور نشان دادن نحوه بازبینی مشخصه‌های فای و حالت فاعلی در ساخت استمراری، نحوه اشتقاق جمله (۱۱ الف) را مورد بررسی قرار می‌دهیم. نحوه اشتقاق جمله (۱۱ الف) را می‌توان به صورت نمودارهای درختی (۱۱ ب و پ) نشان داد. (۱۱ الف) علی مشق هایش را دارد می‌نویسد.



در مرحله اول بن فعلی نوشت تحت تاثیر مشخصه فعلی قوی هسته فعل پوسته‌ای به هسته مذکور حرکت می‌کند. با فرض هسته‌انتهای بودن گروه نمود استمراری، فعل معین در یا داشت و پیشوند می در هسته گروه استمراری^۱ قرار داده شده‌اند. در این بخش نیز مشابه به آن چه که در مورد هسته نفی گفته شد، می‌توان فرض کرد که هسته استمراری می در زبان فارسی به علت ویژگی وندی خود نیاز به پایه‌ای با مشخصه مقوله ای [+ V, - N] دارد. پایه مذکور باید از سمت چپ به می ضمیمه شود. از آنجایی که می استمراری در زبان فارسی تنها پیش از فعل تظاهر می‌یابد، پذیرش چنین فرضی دور از ذهن به نظر نمی‌رسد. حرکت فعل نوشت به هسته استمراری و قرار گرفتن آن در سمت چپ می نیاز آن را به پایه فعلی اقناع می‌کند.



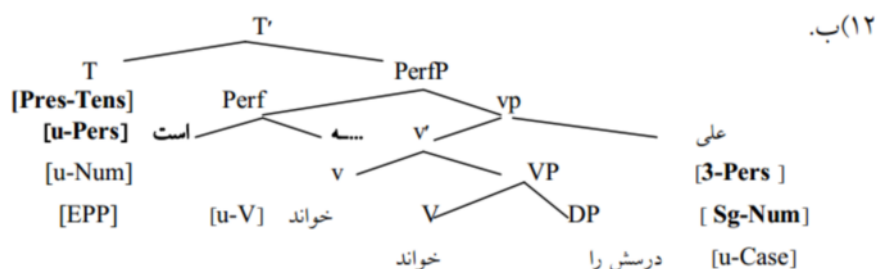
همان‌طور که در نمودار (۱۱ پ) مشاهده می‌شود، کل عناصر زبانی موجود در هسته استمراری (داشت + می + نوشت) به هسته گروه زمان حرکت می‌کنند. هسته زمان به منظور ارزش‌گذاری مشخصه‌های فای خوانش‌ناپذیر خود وارد رابطه مطابقه با گروه اسمی علی می‌شود. گروه اسمی علی به علت وجود مشخصه خوانش‌ناپذیر

^۱.prog

ارزش‌گذاری نشده حالت خود فعال می‌باشد. در جریان برقراری رابطه مطابقه بین هسته زمان و گروه اسمی علی مشخصه‌های شخص و شمار هسته زمان به صورت [سوم شخص مفرد] ارزش‌گذاری می‌شوند. تظاهر مشخصه زمان [حال] و مشخصه [سوم شخص مفرد] هسته زمان باعث تولید دارد می‌نویسد در صورت آوایی می‌شود. گروه اسمی علی نیز از هسته زمان حالت فاعلی دریافت کرده و به منظور اقناع مشخصه [اصل فراقن گسترده] هسته زمان به شاخص گروه مذکور حرکت می‌کند. مشخصه‌های خوانش‌ناپذیر فای هسته زمان و مشخصه حالت خوانش‌ناپذیر ضمیر علی پس از ارزش‌گذاری حذف می‌شوند.

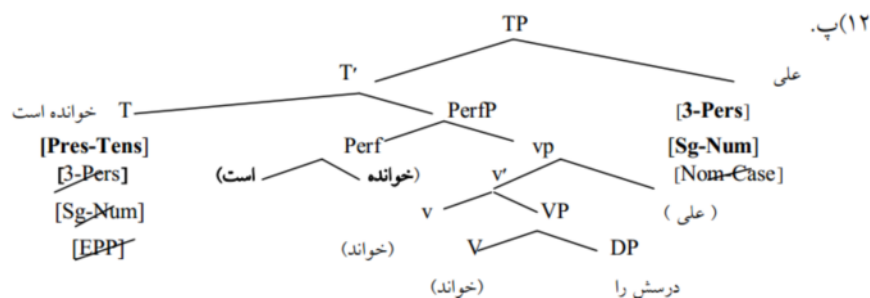
۳-۲- تعامل نظریه بازبینی با فراقن نمود کامل

نمود کامل در زبان فارسی با استفاده از افعال کمکی / است و بود نشان داده می‌شود. در این زبان می‌توان برای ساخت‌هایی که دارای نمود کامل هستند، یک گروه نمود کامل در نظر گرفت که هسته آن جایگاه قرار گرفتن افعال کمکی / است یا بود می‌باشد. می‌توان فرض کرد که هسته گروه نمود کامل نیز مانند هسته گروه‌های نقش‌نمای نفی و نمود استمراری دارای وندی با مشخصه فعلی قوی است که باعث جذب فعل واژگانی و یا سازه‌ای با مشخصه [+ V, - N] از هسته گروه‌های پایین‌تر می‌شود. برای روشن شدن موضوع، نحوه اشتقاق جمله (۱۲ الف) را مورد بررسی قرار می‌دهیم. نحوه اشتقاق جمله (۱۲ الف) را می‌توان به صورت نمودار درختی (۱۲ ب) نشان داد.



جمله (۱۲ الف) دارای ساخت حال کامل می‌باشد. در نمودار (۱۲ ب) در هسته گروه نمود «وند نمود...+ است» قرار دارد. می‌توان فرض کرد که وند نمود (...ه)، به پایه‌ای

با مشخصه $[+V, -N]$ نیاز دارد. از آن جایی که ...ه پسوند است، پایه مذکور باید از سمت راست به آن ضمیمه شود. در ادامه، نمودار (۱۲ پ)، فعل *خواند* به هسته نمود حرکت می‌کند و از سمت راست با *وند* نمود ترکیب می‌شود. در مرحله بعد، مشخصه فعلی قوی هسته زمان باعث جذب *خوانده+ست* به هسته زمان می‌شود. هسته زمان به منظور اقناع مشخصه‌های فای ارزش‌گذاری نشده خود وارد رابطه مطابقه با گروه اسمی *علی* می‌شود. گروه اسمی مذکور با داشتن مشخصه‌های فای از پیش ارزش‌گذاری شده و مشخصه حالت ارزش‌گذاری نشده می‌تواند نقش هدف را در فرآیند مطابقه ایفاء کند. در جریان برقراری رابطه مذکور، مشخصه‌های فای هسته زمان به صورت *اسوم* شخص مفرد [ارزش‌گذاری می‌شوند. مشخصه حالت گروه اسمی *علی* نیز به وسیله هسته زمان به صورت [فاعلی] ارزش‌گذاری می‌شود. ترکیب *وند* نمود (...ه) با پایه فعلی *خواند* باعث می‌شود تا فعل مذکور در صورت آوایی به صورت *خوانده* تظاهر یابد. مشخصه خوانش-پذیر زمان و مشخصه‌های خوانش ناپذیر فای هسته زمان در بخش آوایی بر روی فعل *است* تظاهر می‌یابند در نتیجه فعل کمکی مذکور در بازنمون به صورت *است* تظاهر می‌یابد. مشخصه‌های خوانش ناپذیر فای هسته زمان و مشخصه خوانش ناپذیر حالت فاعلی در سطح صورت منطقی حذف می‌گردند. گروه اسمی *علی* به منظور اقناع مشخصه [اصل فرافکن گسترده] هسته زمان به شاخص آن حرکت می‌کند.



نحوه اشتقاق جمله (۱۳)، فعل مرکب، مانند نحوه اشتقاق جمله (۱۲) می‌باشد. تنها تفاوت این است که هنگام حرکت فعل از هسته فعل درونی، تنها جزء فعلی فعل مرکب *پایین آمدن* به گره‌های بالاتر حرکت می‌کند. جزء فعلی *آمدن* پس از قرار گرفتن در هسته زمان با گروه اسمی همه وارد رابطه مطابقه می‌شود.

(۱۳) همه از کوه پایین آمده بودند.

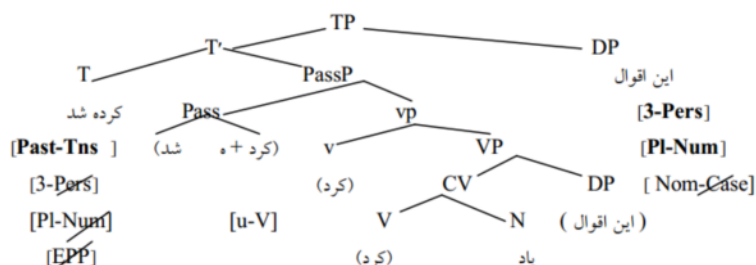
۳-۳- ساخت مجهول

دبیرمقدم (۱۳۶۴: ۳۵) معتقد است که فعل معین شدن تا پیش از دوره فارسی نوین کلاسیک، تنها یک فعل لازم حرکتی بوده است و پس از این دوره تنها به عنوان فعل معین مجهول‌ساز به کار رفته و نقش سابق خود را از دست داده است. وی معتقد است که در روزگاران گذشته، صفت مفعولی کرده در ساخت مجهول افعال مرکبی که در صورت معلوم‌شان دارای فعل کرد بودند، تظاهر می‌یافته‌است. لیکن امروز در جریان یک تحول تاریخی بخش فعلی صفت مفعولی آن‌ها حذف شده و پیامد این حذف بروز ابهام به دلیل شباهت ظاهری با ساخت‌های آغازین است (دبیرمقدم، ۱۳۶۴: ۳۶).

شاید بتوان چنین بیان کرد که به تبع تحول تاریخی که منجر به حذف صفت مفعولی کرده شده است، ترکیب‌های «اسم/صفت + شدن» در قیاس با ترکیب‌های «اسم/صفت + کردن/دادن...» تصویر فعل مرکب را به ذهن تداعی می‌کنند. برای روشن شدن موضوع نحوه اشتقاق جمله (۱۴ الف) را مورد بررسی قرار می‌دهیم. نحوه اشتقاق جمله (۱۴ الف) به صورت نمودار درختی (۱۴ ب) می‌باشد.

(۱۴ الف) این اقوال یاد کرده شد ... (تاریخ بلعمی: ۴۳۹)

(۱۴ ب)



(حق‌بین ۱۳۸۲: ۱۱۹)

در نمودار (۱۴ ب)، جایگاه اولیه فعل مرکب یاد کردن در هسته فعل درونی می‌باشد. در مرحله اول، مشخصه فعلی قوی هسته فعل پوسته‌ای باعث جذب جزء فعلی کرد می‌شود. جایگاه گروه مجهول درست بالای گروه فعلی بیرونی می‌باشد. در جایگاه هسته گروه مجهول «وند مجهول‌ساز ه + شد» قرار دارد. در مورد ساخت مجهول نیز می‌توان فرض کرد که وند مجهول‌ساز ه، به پایه‌ای با مشخصه مقوله‌ای [+V, -N]

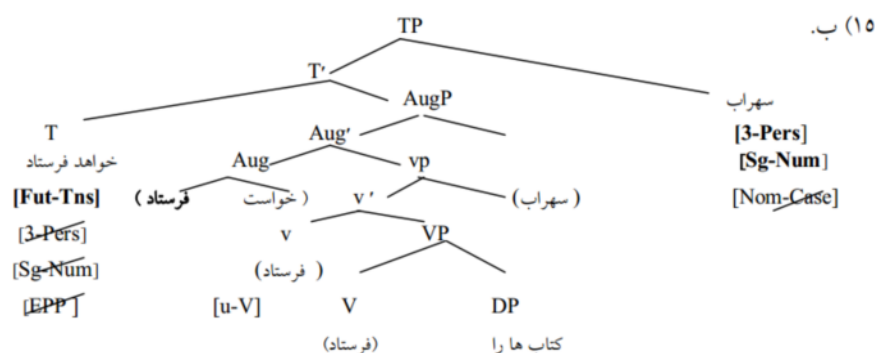
نیاز دارد. مشخصه مذکور باعث می‌شود تا هسته مجهول سازه دارای مشخصه مقوله‌ای [+ V, - N] موجود در گره پایین‌تر را جذب کند. پایه مذکور باید از سمت راست به پسوند ه ضمیمه شود. حرکت فعل کرد به هسته نمود و قرار گرفتن آن در سمت راست ه نیاز آن را به پایه فعلی اقتناع می‌کند؛ و به این ترتیب همان‌طور که در نمودار (۱۴ ب) نشان داده شده است، فعل کرد به هسته مجهول حرکت می‌کند و باوند مجهول سازه ترکیب می‌شود. در مرحله سوم، کرده + شد که دارای مشخصه مقوله‌ای [+ V, - N] است تحت تاثیر مشخصه فعلی قوی هسته زمان به هسته مذکور حرکت می‌کنند. در مرحله چهارم، هسته زمان به منظور ارزش‌گذاری مشخصه‌های فای خوانش‌ناپذیر خود با گروه اسمی این اقوال، که در جایگاه متمم فعل قرار دارد، وارد رابطه مطابقت می‌شود. در جریان برقراری رابطه مذکور، مشخصه‌های فای خوانش‌ناپذیر هسته زمان به صورت [سوم شخص جمع] ارزش‌گذاری می‌شوند. به نظر می‌رسد فعل یاد کرده شد دارای شناسه انتزاعی با مشخصه شمار جمع باشد که حضور آوایی ندارد. از آنجایی که فعل مجهول نمی‌تواند به گروه اسمی این اقوال حالت مفعولی اعطاء کند، مشخصه حالت گروه اسمی مذکور توسط هسته زمان ارزش فاعلی پیدا می‌کند و به منظور اقتناع مشخصه [اصل فرافکن گسترده] هسته زمان به شاخص آن حرکت می‌کند. مشخصه زمان و مشخصه‌های فی ارزش‌گذاری شده هسته زمان باعث می‌شود تا عنصر مجهول‌ساز شد در بخش آوایی به صورت شد تظاهر یابد. به نظر می‌رسد جایگاه گروه نفی در ساخت های معلوم بر فراز گروه فعلی و در ساخت های مجهول بر فراز گروه مجهول باشد.

۳-۴ نحوه بازبینی مشخصه‌های فای و حالت فاعلی در ساخت آینده

از میان سه فعل وجهی خواستن، توانستن، بایستن، فعل خواستن برای بیان قصد و زمان آینده به کار می‌رود. خواستن در زبان فارسی هم به عنوان فعل اصلی و هم به عنوان فعل وجهی (کمکی) به کار می‌رود. همه دستورنویسان و زبان‌شناسان در مورد دلالت فعل وجهی خواستن بر زمان آینده اتفاق نظر دارند (حقیقین ۱۳۷۰: ۱۲۲). حال به تحلیل ساخت آینده در چارچوب رویکرد پژوهش حاضر می‌پردازیم. نحوه اشتقاق جمله (۱۵ الف) را می‌توان به صورت نمودار درختی (۱۵ ب) نشان داد. همان‌طور که در

نمودار (۱۵ ب) مشاهده می‌شود فعل آینده‌ساز *خواست* در هسته گروه افعال کمکی وجود دارد. از آن جایی که فعل آینده‌ساز *خواست* هیچ گاه به تنهایی به کار نمی‌رود و همواره با فعل دیگری تظاهر می‌یابد، می‌توان برای فعل آینده‌ساز *خواست* نیز یک مشخصه فعلی قوی در نظر گرفت. مشخصه مذکور باعث می‌شود تا *خواست* سازه دارای مشخصه مقوله‌ای [+V, -N] موجود در گره پایین‌تر را جذب کند.

(۱۵) الف. سهراب کتاب‌ها را خواهد فرستاد.



با توجه به آنچه گفته شد، فعل *فرستاد* تحت تأثیر مشخصه فعلی قوی *خواه* به هسته زمان جذب می‌شود. *فرستاد* پس از قرار گرفتن در هسته زمان تحت تأثیر مشخصه [وجهی] فعل *خواه* مشخصه خوانش‌ناپذیر تصریف خود را به صورت مشخصه [وجهی] ارزش‌گذاری می‌کند و در بخش آوایی به صورت *فرستاد* تظاهر می‌یابد. هسته زمان (کاونده) به منظور ارزش‌گذاری مشخصه‌های فای خوانش‌ناپذیر خود با گروه اسمی *سهراب* وارد رابطه مطابقه می‌شود. گروه اسمی *سهراب* به علت مشخصه حالت خوانش‌ناپذیر خود فعال است. هسته زمان پس از برقراری رابطه مطابقه با گروه اسمی *سهراب* (هدف)، مشخصه‌های شخص و شمار خود را به صورت [سوم شخص مفرد] ارزش‌گذاری می‌کند. گروه اسمی *سهراب* نیز از هسته زمان حالت فاعلی دریافت کرده و به منظور اقناع مشخصه [اصل فرافکن گسترده] هسته زمان به شاخص آن حرکت می‌کند. مشخصه‌های فای خوانش‌ناپذیر فعل و مشخصه خوانش‌ناپذیر حالت فاعل پس از ارزش‌گذاری حذف می‌شوند. مشخصه‌های فای ارزش‌گذاری شده هسته زمان در بخش آوایی بر روی فعل *خواست* نمایان شده و فعل مذکور به صورت *خواهد* تظاهر می‌یابد. به این ترتیب نمودار (۱۵ ب) به صورت نمودار (۱۵ پ) نمایان می‌شود. ممکن

است این سؤال مطرح شود که چرا مشخصه‌های شخص و شمار هسته زمان در فعل وجهی *خواه* تظاهر یافته، اما در فعل *فرستاد* تظاهر نیافته است؟ به عقیده نگارندگان مشخصه‌های شخص و شمار هسته زمان بر روی سازه یا سازه‌هایی تظاهر می‌یابد که مشخصه زمان هسته زمان در آن تظاهر یافته است. از آنجایی که از بین دو فعل *خواه* و *فرستاد* تنها فعل *خواه* مشخصه زمان [آینده] هسته زمان را به خود جذب کرده است، مشخصه‌های فای خوانش ناپذیر هسته زمان پس از ارزش‌گذاری فقط بر روی فعل *خواه* تظاهر می‌یابند.

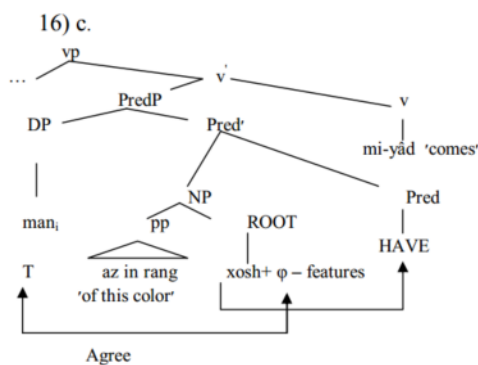
۳-۵ ساخت های غیر شخصی

کریمی (۲۰۰۵: ۷۰-۱۱۱) به ساختارهایی در زبان فارسی اشاره می‌کند که دارای فاعل آشکار نیستند. در عوض، ساختارهای مذکور در جایگاه آغازین جمله دارای گروه‌های حرف تعریف اختیاری هستند که با واژه‌بست همراه سازه غیرفعلی درون گزاره مرکب هم‌نمایه است. جمله (۱۶a) نمونه‌ای از این گونه ساختارها می‌باشد.

16) a. (man) az in rang xosh-am mi-yâ-d.

به عقیده وی جمله (۱۶a) پیش‌تر به صورت جمله (۱۶b) بیان می‌شد. کریمی نمودار (۱۶c) را برای جمله (۱۶a) ارائه می‌دهد.

16) b. (man) in rang- ra xosh daram.



(کریمی ۲۰۰۵: ۸۴)

به نظر کریمی در این ساختار ریشه خوش به فعل *Have* ملحق می‌شود و فعل سبک *comes* بازنمود می‌یابد. در صورت عدم وجود فاعل آشکار من ضمیر فاعلی محذوف در جایگاه شاخص گروه اسناد قرار می‌گیرد. هیچ فاعل دستوری آشکاری در این ساختارها

وجود ندارد و گروه حرف تعریف اختیاری زمانی که از گروه اسناد بیرون می‌رود به عنوان مبتدای جمله عمل می‌کند. همان‌طور که در کریمی (۲۰۰۵) ذکر شده است فعل جمله (۱۶) مرکب است. به نظر می‌رسد صورت اصلی ساخت (۱۶) به صورت (۱۷) باشد.

(۱۷) مرا از این رنگ خوش می‌آید.

ابوالقاسمی (۱۳۷۵: ۲۰۶-۲۰۷) معتقد است که فعل‌های خوش... آمدن، سرد... بودن و شدن در فارسی دری به روش فعل‌های ماضی متعدی ایرانی میانه غربی ساخته شده‌اند. وی به موارد متعددی از نظم و نثر اشاره می‌کند که در این قسمت به ذکر یک مورد بسنده می‌کنیم.

(۱۸) شهنش را خوش آمد پاسخ زرد همان گه نزد شهرو نامه‌ای کرد.

(ویس و رامین، ۷۷)

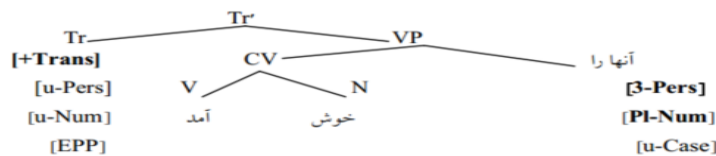
بوورز (۲۰۰۲) فرافکن سه‌گانه‌ای را برای گروه فعلی پیشنهاد می‌دهد. به عقیده وی گروه فعلی گذرا دارای یک فرافکن اضافی به نام فرافکن گروه گذرا^۱ می‌باشد، که بین گروه فعلی درونی و گروه فعلی بیرونی قرار دارد. علاوه بر آن، وی فرض می‌کند که هسته گذرا دارای یک مجموعه از مشخصه‌های فای خوانش‌ناپذیر و نیز مشخصه اصل فرافکن گسترده می‌باشد (ردفورد ۲۰۰۴: ۳۶۳-۳۶۴).

در ادامه نحوه اشتقاق جمله (۱۹ الف) را مورد بررسی قرار می‌دهیم. اگر زیر ساخت جمله (۱۹ الف) به صورت (۱۹ ب) در نظر گرفته شود، براساس تحلیل بوورز نحوه اشتقاق جمله (۱۹ الف) را می‌توان به صورت نمودار (۱۹ پ) نشان داد.

(۱۹) الف. آنها خوششان آمد.

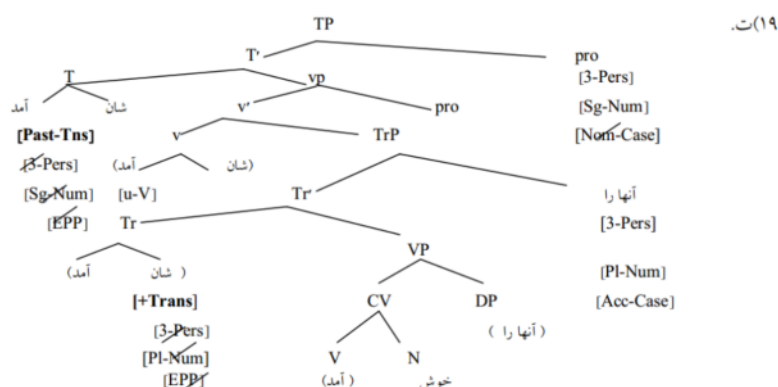
(۱۹) ب. آنها را خوش آمد.

(۱۹) پ.



^۱.transitive phrase

در نمودار (۱۹ پ) فعل مرکب *خوش آمد* در هسته فعل درونی و ضمیر مفعولی *آنها را* با مشخصه‌های فای خوانش‌پذیر و مشخصه حالت خوانش‌ناپذیر در جایگاه متمم فعل قرار دارند. همان‌طور که در نمودار (۱۹ ت) نشان داده شده است، در مرحله اول بخش فعلی *آمد* تحت تأثیر مشخصه قوی هسته گذرا به هسته مذکور جذب می‌شود. هسته گذرا به منظور ارزش‌گذاری مشخصه‌های فای خوانش‌ناپذیر خود با *آنها را* وارد رابطه مطابقه می‌شود. مشخصه‌های فای ارزش‌گذاری نشده هسته گذرا به وسیله ضمیر *آنها را* به صورت [سوم شخص جمع] ارزش‌گذاری می‌شوند. ضمیر *آنها را* از هسته گذرا حالت مفعولی دریافت کرده و به شاخص گروه مذکور حرکت می‌کند. به نظر می‌رسد در جریان یک تحول تاریخی حذف را مفعولی در ساخت‌های مذکور، این الزام را برای شناسه مفعولی *شان* به وجود می‌آورد که در بخش آوایی تظاهر یابد؛ و به این ترتیب جمله (۱۹ ب) به جمله (۱۹ الف) تبدیل شده است.



در ادامه مشخصه‌های فعلی قوی هسته فعل بیرونی و هسته زمان باعث جذب *شان* + *آمد* از هسته گذرا می‌شوند. هسته زمان به منظور ارزش‌گذاری مشخصه‌های فای خوانش‌ناپذیر خود به دنبال سازه‌ای می‌گردد تا با آن وارد رابطه مطابقه شود. از آنجایی‌که در تمامی ساخت‌های مشابه مثل *خوشم آمد*، *بدش آمد*، *سردشان شد*، *گرمت شد* و ... فعل دارای مشخصه [سوم شخص مفرد] است و از طرف دیگر چون *آنها را* در جمله (۱۹ ب) نقش پذیرنده را دارد و فاعل در همه موارد یک عامل بیرونی است، به نظر می‌رسد در نظر گرفتن مشخصه [سوم شخص مفرد] برای فاعل جمله (۱۹ ب) و جملات نظیر آن خیلی دور از ذهن نباشد. به عبارت دیگر گروه اسمی موجود در شاخص گروه فعلی بیرونی، فاعل، در ساخت‌های مذکور همواره دارای خوانش قراردادی

سوّم شخص مفرد می‌باشد. به عقیده نگارندگان در فارسی امروز گروه حرف تعریف اختیاری (آنها) به عنوان مبتدای جمله عمل می‌کند. راسخ‌مهند (۱۳۸۴: ۲۷۵-۲۸۵) معتقد است آنچه که در زبان فارسی ضمیر متصل نامیده می‌شود، در واقع نه ضمیر مفعولی، بلکه نشانه مطابقه مفعولی^۱ است. به اعتقاد وی نشانه‌های مطابقه، مفعولی برعکس نشانه‌های مطابقه فاعلی، سازه‌های اختیاری هستند که می‌توان بدون هیچ اشکالی در ساخت دستوری جمله، آنها را از جمله حذف کرد.

۴- نتیجه

در این جستار نشان داده شد که در ساخت‌های مختلف زبان فارسی، هسته زمان (کاونده) به منظور ارزش‌گذاری و بازبینی مشخصه‌های فای (شخص و شمار) خوانش-ناپذیر خود با نزدیک‌ترین گروه اسمی/ضمیر (هدف) تحت تسلط سازه‌ای خود، که دارای مشخصه‌های فای (شخص و شمار) خوانش‌پذیر است، رابطه مطابقه برقرار می‌کند. شرط فعال بودن سازه هدف، داشتن یک یا چند مشخصه خوانش‌ناپذیر است. پس از برقراری رابطه مطابقه، از یک طرف مشخصه‌های فای (شخص و شمار) خوانش‌ناپذیر هسته زمان (کاونده) مطابق با مشخصه‌های فای خوانش‌پذیر سازه هدف ارزش‌گذاری و بازبینی می‌شوند و از طرف دیگر سازه هدف، که معمولاً گروه اسمی/ضمیر موجود در شاخص گروه فعلی پوسته‌ای است، از هسته زمان خودایستا (دارای زمان مشخص) حالت فاعلی دریافت می‌کند. سازه هدف به منظور اقتناع مشخصه [اصل فرافکن گسترده] هسته زمان به شاخص گروه زمان حرکت می‌کند. مشخصه‌های فای خوانش‌ناپذیر هسته زمان در زبان فارسی به صورت شناسه‌های فاعلی (م، ی، یم، ید، ند) بر روی فعل تظاهر می‌یابند.

^۱.object agreement marker

منابع

- ابوالقاسمی، محسن. ۱۳۸۱. *دستور تاریخی زبان فارسی*، تهران، انتشارات سمت.
- انوشه، مزدک. ۱۳۸۷. ساخت جمله و فراقکن‌های نقش‌نمای آن در زبان فارسی رویکردی کمینه‌گرا، رساله دکتری، دانشگاه تهران، گروه زبان‌شناسی همگانی.
- حقیب، فریده. ۱۳۷۰. تجزیه و تحلیل ساخت‌های واژگانی فعل در زبان فارسی بر مبنای دستور گسترده معیار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، گروه زبان‌شناسی همگانی.
- حقیب، فریده. ۱۳۸۲. بررسی صوری، نقشی و شناختی تعدی در زبان فارسی، رساله دکتری چاپ نشده دانشگاه علامه طباطبایی.
- دبیرمقدم، محمد. ۱۳۶۴. مجهول در زبان فارسی. *مجله زبان‌شناسی*، سال ۲، شماره ۱، صص ۳۱-۴۶.
- راسخ‌مهند، محمد. ۱۳۸۴. نشانه مطابقه مفعولی در زبان فارسی، مجموعه مقالات نخستین همایش زبان‌شناسی ایران/ به کوشش دکتر مصطفی عاصی - تهران، *انجمن زبان‌شناسی ایران*، صص ۲۷۵-۲۸۵.

- Adger, D. 2003. *Core syntax: A minimalist approach*. New York: Oxford University Press.
- Bowers, J. (2002). Transitivity. *Linguistic Inquiry* 33:183-224.
- Dabirmoghaddam, M. 1982. *Syntax and semantics of causative constructions in Persian*. Doctoral dissertation, University of Illinois at Urbana-Champaign.
- Karimi, S. 2005. *A minimalist approach to scrambling: Evidence from Persian*. The Hague: Mouton.
- Koenenman, O. 2000. *The flexible nature of verb movement*. Doctoral dissertation, University of Utrecht.
- Platzack, C, and A. Holmberg. 1989. The role of AGR and finiteness. *Working papers in Scandinavian syntax* 44:101-107.
- Radford, A. 2004. *Minimalist syntax: Exploring the structure of English*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Roberts, I. 1993. *Verbs and diachronic syntax*. Dordrecht: Kluwer.
- Rohrbacher, B. 1999. *Morphology driven syntax: A theory of V-to-I raising and pro-drop*. Amsterdam: Benjamins.
- Soheili Isfahani, A. 1976. *Noun phrase complementation in Persian*. Doctoral dissertation, University of Illinois at Urbana-Champaign.
- Vikner, S. 1997. V⁰-to- I⁰ movement and inflection for person in all tenses. In L. Haegeman (ed.). *The new comparative syntax* (189-213). London: Longman.

